



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران



فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

Volume 3, Issue 5, 2024

## The Reasons for Banning Human Cloning from the Point of View of Jurisprudence and Criminal Law

Maryam Ojaghi<sup>1</sup>, Seyed Mahmoud Majidi\*<sup>2</sup>, Mahdi Zolfagharii<sup>3</sup>

1. PhD Student, Department of Criminal Law and Criminology, Damghan Branch, Islamic Azad University, Damghan, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Law, Damghan Branch, Islamic Azad University, Damghan, Iran. (Corresponding Author)

3. Assistant Professor, Department of Law, Damghan Branch, Islamic Azad University, Damghan, Iran.

### ARTICLE INFORMATION

**Type of Article:**

**Original Research**

**Pages: 445-458**

**Corresponding Author's Info**

**ORCID:** 0009-0006-9581-2838

**TELL:** +989123321404

**Email:** majidi@du.ac.ir

**Article history:**

**Received:** 29 Sep 2023

**Revised:** 04 Dec 2023

**Accepted:** 11 Jan 2024

**Published online:** 20 Feb 2024

**Keywords:**

*Simulation, Human Dignity, Family Foundation, Descent, Agency and Informed Consent.*

### ABSTRACT

The most important and perhaps the main concern of human rights has been formed with the emergence of new capabilities in the scientific and technological fields of biology. This has caused opposition to human simulation in jurisprudence and law. The purpose of this article is to examine the reasons for banning human cloning from the point of view of jurisprudence and criminal law. The current article is a descriptive analysis and has investigated the mentioned topic using the library method. The findings indicate that interference in God's creation, disintegration of the family system, ambiguity in kinship relations and disruption of the kinship status of cloned people are the most important jurisprudential reasons for banning human cloning. The guarantee of individual rights and freedoms of citizens based on bioethics is shown in the framework of principles that are called "bioethics principles". These are the principles and goals that criminal law pursues in bioethics. The principle of harm, or in other words, the principle of harm, is one of the prominent principles of bioethics, which has received the most attention and discussion in the field of criminal law, and is one of the fundamental foundations of criminal law intervention. The other face of this principle appears in the field of criminal law in the form of "obligation to do no harm" and emphasizes the absence of harm.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2024 The Authors.

**How to Cite This Article:** Ojaghi, M; Majidi, SM & Zolfagharii, M (2024). "The Reasons for Banning Human Cloning from the Point of View of Jurisprudence and Criminal Law". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 3(5): 445-458.



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران

# فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

دوره سوم، شماره پنجم، اسفند ۱۴۰۲

## دلایل ممنوعیت شبیه‌سازی انسان از منظر فقه و حقوق کیفری

مریم اجاقی<sup>۱</sup>، سیدمحمود مجیدی<sup>۲\*</sup>، مهدی ذوالفقاری<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران.
۲. استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران. (نویسنده مسؤول)
۳. استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران.

### چکیده

مهم‌ترین و شاید اصلی‌ترین نگرانی حقوق بشر با ظهور توانایی‌های نوین در عرصه‌های علمی و فناوری زیست‌شناسی شکل گرفته است. همین امر باعث مخالفت‌هایی با شبیه‌سازی انسان در فقه و حقوق شده است. هدف مقاله حاضر بررسی دلایل ممنوعیت شبیه‌سازی انسان از منظر فقه و حقوق کیفری است. مقاله حاضر توصیفی - تحلیلی است و با استفاده از روش کتابخانه‌ای به بررسی موضوع مورد اشاره پرداخته است. یافته‌ها بر این امر دلالت دارد که دخالت در خلقت خداوند، به‌هم‌خوردن نظام خانواده، ابهام در روابط خویشاوندی و ایجاد اختلال در وضعیت قرابت و نسب افراد شبیه‌سازی شده مهم‌ترین دلایل فقهی ممنوعیت شبیه‌سازی انسان است. همچنین نقض کرامت انسانی، نادیده‌گرفتن استقلال و آزادی فرد، عدم سودرسانی عمومی و خطر اقدام به اصلاح نژادی از طریق شبیه‌سازی از دلایل حقوق کیفری در مخالفت با شبیه‌سازی انسان است. تضمین حقوق و آزادی‌های فردی شهروندان براساس اخلاق زیستی در چهارچوب اصولی نمودار می‌گردد که از آن‌ها به «اصول اخلاق زیستی» یاد می‌گردد، این اصول و اهدافی است که حقوق کیفری در وادی اخلاق زیستی مورد تعقیب قرار می‌دهد. اصل آسیب یا به تعبیر دیگر، اصل لاضرر در زمره اصول بارز اخلاق زیستی است که در وادی حقوق کیفری بیش از همه مورد توجه و بحث بوده و یکی از پایه‌های بنیادین مداخله حقوق کیفری است. چهره دیگر این اصل در حوزه حقوق کیفری در قالب «تکلیف بر عدم آسیب» ظاهر می‌شود و بر عدم ایراد آسیب تأکید دارد.

### اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۴۴۵-۴۵۸

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد آرکاید: ۲۸۳۸-۲۸۱۱-۹۵۸۱-۰۰۰۶-۰۰۰۹

تلفن: +۹۸۹۱۲۳۳۲۱۴۰۴

ایمیل: majidi@du.ac.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۰۷

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۲/۰۹/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۲۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۲/۰۱

واژگان کلیدی:

شبیه‌سازی، کرامت انسانی، بنیان خانواده، نسب، حقوق کیفری.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

## مقدمه

شبیه‌سازی یکی از تحولات مهم زیست‌پزشکی است که واکنش‌های مختلفی در حوزه اخلاق، فقه و حقوق به دنبال داشته است. از یک سو آثار مثبت آن به‌عنوان یک تحول و جهش مهم علمی در درمان بسیاری از بیماری‌ها مورد نظر است و از سوی دیگر احتمال سوءاستفاده و آثار منفی آن، باعث طرح دیدگاه‌های مخالف شده است. این مخالفت‌ها هم در فقه و هم در حقوق کیفری با طرح استدلال‌هایی همراه بوده است. هدف مقاله حاضر بررسی این استدلال‌هاست. «هم موافقان و هم مخالفان شبیه‌سازی انسان را می‌توان در میان متخصصان علوم زیستی، پزشکی، جامعه‌شناسی، فلسفه، دانشمندان ادیان مختلف، سیاست‌مداران و افراد عادی یافت. دلایل مخالفان و نگرانی‌هایی که نسبت به سوءاستفاده از شبیه‌سازی انسان وجود دارد، موجب شده است تا دولت‌ها نسبت به آن بی‌تفاوت نباشند و هریک سیاست خاصی را در این خصوص اتخاذ نمایند» (محمدی، ۱۳۸۷: ۲۱۴). این امر تنها در سطح ملی نبوده و اقداماتی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی صورت گرفته است تا مجازبودن یا ممنوعیت شبیه‌سازی روشن شود و حدود و ثغور آن معین گردد. امروزه بشر با پیشرفت‌های نوین علمی و فناوری در این عرصه قادر به شبیه‌سازی، حیوانات و گیاهان، تولید اعضای بدن انسان، دست‌کاری در ساختار ژنتیک انسان، حیوانات و گیاهان، تولید داروهای مؤثر، شناسایی ژن‌های سرطان‌زا و ناقص خواهد بود. پیشرفت در زیست‌شناسی پزشکی و علم ژنتیک در عین حال که ابزار خدمت به جامعه بشری است، ممکن است مورد سوءاستفاده‌های احتمالی واقع گردد و دارای عواقب و پیامدهای نامطلوبی برای تمامیت شأن و منزلت و حقوق انسانی باشد. همین امر سبب مخالفت‌هایی در این خصوص شده است. هدف مقاله بررسی دلایل این مخالفت‌ها در فقه و حقوق کیفری است. سؤال مقاله بدین‌شکل قابل طرح است که دلایل فقهی و حقوق کیفری ممنوعیت و مخالفت با شبیه‌سازی انسانی چیست؟ به‌منظور بررسی سؤال مورد اشاره ابتدا دلایل ممنوعیت ممنوعیت شبیه‌سازی انسان از منظر فقهی و سپس ممنوعیت شبیه‌سازی انسان از منظر حقوقی بررسی می‌شود.

## ۱- دلایل ممنوعیت شبیه‌سازی انسان از منظر فقهی

در این قسمت از دلایل ممنوعیت شبیه‌سازی انسان از منظر فقهی بحث می‌شود.

## ۱-۱- دخالت در خلقت خداوند

برخی فقهای شیعه معتقدند که: «شبیه‌سازی انسان به‌دلیل دخالت در خلقت خداوند به‌عنوان حکم اولی حرام و نامشروع است» (فضل‌الله، ۱۳۸۴: ۳۷). از این منظر، «عمل شبیه‌سازی انسان به‌صورت مطلق با استناد به دلایلی چون اختلال نظام و ایجاد هرج‌ومرج با از میان‌رفتن تباین و تنوع بشر و همچنین اختلاط نسب‌ها جایز نیست» (تبریزی، ۱۴۲۷: ۲۸۵/۹-۲۸۴)، «درواقع با این استدلال که شبیه‌سازی دخالت در کار خدا و تغییر در خلقت است» (شمس‌الدین، ۱۹۹۹: ۱۳۵-۱۳۱) با آن مخالفت می‌کنند. به عقیده آن‌ها: «شبیه‌سازی انسانی قطعاً و یقیناً نامشروع است و در مجال حیوانی، مسأله‌ای است که باید درباره‌اش بحث شود، ولی به‌گونه‌ای خودبه‌خودی مشروعیت آن را اثبات نمی‌کنیم. خداوند بشر را آفریده و در او راز خود را نهاده است، در نتیجه، بنده حق ندارد برخی از ویژگی‌های طبیعی موجود را به هم بزند. این کار حرام است و دلیل بر این تحریم، این اصل است که انسان مالک مطلق جسم خود نیست و جز در حدودی که شرع تعیین کرده است، حق تصرف در آن را ندارد، در نتیجه به‌طریق اولی انسان حق تصرف در جسم دیگران را به هیچ صورتی ندارد» (شمس‌الدین، ۱۹۹۹: ۱۳۷).

اما به عقیده برخی دیگر از فقها، «شبیه‌سازی انسانی به‌خودی‌خود اشکالی ندارد و به استناد اصالة‌الاباحه جایز است، ولی انجام آن به مفسد اجتناب‌ناپذیری خواهد انجامید و پیامدهای اخلاقی و اجتماعی زیادی خواهد داشت. از این رو برای پیشگیری از این مفسد، شبیه‌سازی انسانی به‌عنوان ثانوی حرام است» (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴: ۱۳۲/۲).

«تفاوت نظریه حرمت اولیه با نظریه حرمت ثانوی در این است که از دیدگاه حرمت ثانوی، این عمل بنابر اصل اباحه در اشیا و اعمال، مجاز و مباح است، ولی به‌خاطر پیامدها و مفسد مخاطره‌آمیز، آن را به‌عنوان ثانوی حرام می‌کند تا گرفتار چالش‌ها و مفسدش نشود» (فیاض، ۱۴۳۰: ۳۱)، اما از

۲۰۰۲: ۴۹). مطابق آموزه‌های اسلامی، «هرگونه رابطه جنسی خارج از چهارچوب‌ها و ضوابط ترسیمی، ضمن آنکه مجازات‌هایی در پی دارد، دوام خانواده را با خطر روبه‌رو می‌سازد و نابسامانی جامعه را به‌دنبال دارد. مطابق آیه ۷۲ سوره نحل و آیه ۱ سوره نساء آفریده‌های الهی و از جمله افراد بشر، جفت‌جفت آفریده شده‌اند و افراد بشر با ازدواج، تکثیر شده و به‌صورت تیره‌ها و گروه‌ها درآمده‌اند. به این ترتیب، با ازدواج و تشکیل خانواده، روابط جنسی زن و مرد ضابطه‌مند شده بقای نسل بشر تضمین می‌شود و در پناه چنین کانون‌های گرم و آرامی، زمینه برای تربیت افراد سالم و کارا فراهم و سلامت جامعه تضمین می‌گردد» (تبریزی، ۱۴۲۷: ۲۸۴/۹-۲۸۵).

پس شبیه‌سازی سبب می‌شود که پیمان ازدواج پیمانی بی‌فایده به‌نظر آید و در نتیجه سفارش‌های اسلام درباره برگزیدن شریک مناسب برای زندگی هم بیهوده بنماید. افزودنی است که موافقان شبیه‌سازی ممکن است در پاسخ به این استدلال بگویند که با کمک شبیه‌سازی می‌توان مشکل زوج‌های نازا را برطرف کرد و در نتیجه به تقویت بنیان خانواده کمک رساند، ولی در انتقاد از این استدلال باید گفت: «هنگامی که با شبیه‌سازی بتوان به زوج‌های نابارور کمک کرد تا دارای فرزند شود، ممکن است افراد مجرد هم بخواهند صرفاً با کمک این فناوری دارای فرزند شوند و این مهم در تزلزل بنیان خانواده تأثیر خواهد گذارد.»

### ۱-۳- ابهام در روابط خویشاوندی

«در تولیدمثل جنسی و سنتی، هیچ ابهامی درباره نسبت افراد با یکدیگر وجود ندارد. هنگامی که از طریق آمیزش جنسی، نطفه‌ای منعقد می‌شود و ایام رشد خود را در رحم زن شروع می‌کند، رابطه او با مرد خانواده و زنی که او را در رحم خود پرورش می‌دهد، معین و معلوم است. یکی پدر اوست و دیگری مادر او، اما در شبیه‌سازی انسانی این روابط مبهم می‌شود و به‌طور مثال معلوم نیست که رابطه شخص شبیه‌سازی‌شده با زنی که او را در رحم پروراند است، چیست؟ پس بحث درباره نوعی از روابط خویشاوندی است که از نظر فقهی و حقوقی تعریف‌شده نیست» (علیان‌نژادی،

دیدگاه حرمت اولی «این فعل فی‌نفسه حرام و نامشروع است و این حرمت ذاتی است، یعنی از اساس استدلال اصاله‌الحظر را در برابر اصاله‌الاباحه حاکم می‌داند و شبیه‌سازی انسانی را غیرشرعی و ممنوع اعلام می‌کند. به هر حال این نظریه نیز شامل چند فتوا به‌همراه برخی استدلال‌ها است» (علیان‌نژادی، ۱۳۸۰: ۲۹). بهشتی در این‌باره اظهار می‌دارد: «باید عوارض مسأله مورد ارزیابی قرار گیرد، چراکه وقتی انسانی از طریق شبیه‌سازی به دنیا می‌آید، نه پدری دارد و نه مادری و از تمام روابط عاطفی بشری محروم است و این موجود سرنوشت مبهمی دارد، بنابراین با توجه به این مسأله و همچنین با در نظر گرفتن این مسأله که عقلائی دنیا با این مسأله مخالفت کرده‌اند، شرع مقدس نیز این مسأله را تأیید نمی‌کند، چون چنین موجودی هم به خودش ضرر می‌زند و هم به دیگران» (محمدی، ۱۳۸۷: ۴۷۵). سیدکاظم حائری «هرچند در مورد شبیه‌سازی مولد به‌گونه‌ای استدلال کرده بود که آن را در سطح کلان غیرجایز می‌دانست، ولی به‌صورت موردی و محدود بیان نمود که نمی‌توان حکم به حرمت داد و در نتیجه ایشان را جزء قائلین به جواز محدود شبیه‌سازی انسانی آوردیم» (حسینی حائری، ۱۳۸۷: ۳۶-۳۵)، «اما در جای دیگری با بیان دو روایت از امام صادق و امام کاظم (ع) نتیجه می‌گیرد که اجتناب از شبیه‌سازی انسانی ضروری است» (حسینی حائری، ۱۳۸۲: ۲۴۵/۲).

### ۱-۲- به‌هم‌خوردن نظام خانواده

لزوم تولیدمثل جنسی و به‌هم‌خوردن نظام خانواده یکی از دلایل فقهی مخالفت با شبیه‌سازی انسان است. طبق این دلیل، «اسلام از مسلمانان خواسته است تا تنها از طریق آمیزش جنسی به زاد و ولد بپردازند. از این‌رو هرگونه تلاشی جهت تولیدمثل که در آن این مکانیزم حذف شود، از نظر اسلام ممنوع است. در سوره اعراف آیه ۱۸۹ با کنایه‌ای از این امر این‌گونه سخن رفته است: پس چون آدم با حوا درآمیخت باردار شد. باری سبک با آن (بار سبک) گذرانید. در آیات دیگر نیز همواره از این سنت سخن رفته است، در نتیجه می‌توان گفت که تنها روش مقبول اسلامی برای تولیدمثل، تماس جنسی و آمیزشی است، لکن چون در شبیه‌سازی انسانی، چنین تماسی وجود ندارد، از نظر اسلام حرام است» (مصباح،

حفظ عقل، حرمت سرقت برای حفظ مال، حرمت قتل برای حفظ نفس و حرمت زنا برای حفظ نسب است. بنابراین اسلام برای حفظ نسب که یکی از ضروریات و مقاصد پنج‌گانه اصلی به‌شمار می‌رود، احکام را وضع کرده است که همه آن‌ها در جهت حفظ نسب و رابطه خونی میان مسلمانان است. تعیین نوع خاص از ازدواج، همراه با شرایطی معین در همین مسیر حرکت می‌کند. تحریم زنا و انواع خاص از نکاح که در دوره جاهلیت مرسوم بود، مانند نکاح استبضاح<sup>۱</sup>، ناشی از اهمیت حفظ نسب در اسلام است. همچنین تعیین عده برای زنان مطلقه کوششی است برای پیشگیری از خلط نسب، اما شبیه‌سازی انسانی این هدف اساسی و ضروری زندگی را از میان می‌برد و موجب خلط نسب می‌شود» (یوسفان، ۱۳۸۶: ۵۶). از این دیدگاه: «چون شبیه‌سازی انسانی موجب خلط نسب می‌شود، از نظر اسلام حرام است. اگر مسأله‌ای امتزاجی را که طنطاوی می‌گفت مستقل در نظر بگیریم، خودش دلیلی جداگانه به‌شمار خواهد رفت، اما اگر آن را مقدمه این دلیل بدانیم در آن صورت نمی‌توان آن را دلیلی مستقل به‌شمار آورد، البته اگر آن را مقدمه این دلیل بدانیم در آن صورت این دشواری را خواهیم داشت که از روی منطقی چه رابطه‌ای بین خلط نسب و مسأله امتزاج وجود دارد و تحلیل نادرست خواهد بود، زیرا نه امتزاج شرط عدم خلط نسب است و نه عدم امتزاج علت خلط نسب، زیرا در بسیاری از خلط‌نسب‌ها به‌طور یقین امتزاج وجود دارد، از این‌رو فرض را بر این باید گذاشت که آن‌ها دو دلیل مستقل هستند غالب فقهای اهل سنت بر این موضوع پای فشرده‌اند که شبیه‌سازی انسانی به‌دلیل آنکه موجب خلط نسب می‌شود حرام و از نظر اسلام ممنوع است» (ریاض احمد، ۲۰۰۳: ۲۴۵).

درواقع شبیه‌سازی باعث می‌شود قرابت و نسب افراد شبیه‌سازی‌شده برهم خورد و حتی ممکن است پدیده اختلاط انساب پیش آید. بنابراین پدیده اختلاط انساب و پدیدآمدن

از جمله کسانی که این دلیل را مطرح می‌کند، ریاض احمد است. ایشان باتوجه به ابهامات فوق هرگونه شبیه‌سازی انسانی را حرام دانسته و می‌گوید: «شبیه‌سازی چهار حالت دارد که همه آن‌ها حرام است. چهارمین حالت آن است که تخمک از همسر و هسته از شوهرش باشد. این نیز حرام است، زیرا خلاف شیوه‌های رایج بارداری و زاد و ولد است و ضرورتی برای این کار نیست و کسی که زاده می‌شود، برادر زوج به‌شمار خواهد رفت نه فرزند او، بنابراین همه صور شبیه‌سازی حرام است» (ریاض احمد، ۲۰۰۳: ۲۰۵).

#### ۱-۴- ایجاد اختلال در وضعیت قرابت و نسب افراد شبیه‌سازی‌شده

«در تولیدمثل جنسی همواره دو نفر در ایجاد جنین نقش دارند، اما شبیه‌سازی انسانی به‌لحاظ نظری این امکان را فراهم می‌سازد که بتوان بدون وجود پدر، شخصی را شبیه‌سازی کرد. کافی است که ما یک تخمک و یک هسته سالم سلول در اختیار داشته باشیم و این دو ممکن است از یک تن باشد، یعنی می‌توان هسته سلول جسمی زنی را در تخمک بی‌هسته او وارد ساخت و آن را در رحم همان زن کاشت، اینجاست که ما از پدر بی‌نیاز می‌شویم و می‌توانیم اشخاصی بی‌پدر ایجاد کنیم. از سوی دیگر لازمه حمایت از نسب به‌عنوان یکی از مقاصد شریعت اسلامی داشتن پدر برای تمام اشخاص است. به همین سبب شبیه‌سازی انسانی ناقض یکی از اهداف شارع است و از این‌رو باید شبیه‌سازی انسانی را از نظر فقهی حرام دانست. شیخ عبدالقادر زلوم یکی از دلایل مخالفت خود را با شبیه‌سازی انسانی همین مسأله می‌داند و آن را ناقض مقاصد شریعت می‌شمارد» (ریاض احمد، ۲۰۰۳: ۲۰۵).

«یکی از مباحث اساسی اصول فقه اهل سنت به‌ویژه مذهب مالکی طرح مسأله مقاصد خمس کلبه شریعه است. از این منظر، هدف هر شریعتی از جمله اسلام، حفظ پنج مقصد و هدف اساسی زندگی، یعنی دین، عقل، نفس، مال و نسب است» (ریسونی، ۱۳۷۶: ۷۶-۲۸).

«تشریح احکام تکلیفی و وضعی نیز در مجموع جهت حفظ این اهداف صورت گرفته است. برای مثال حرمت خمر برای

<sup>۱</sup> - نکاحی در جاهلیت که طی آن زن شوهردار پس از پاک‌شدن از عادت ماهیانه به خواسته شوهرش، خود را در اختیار مرد قوی‌هیکل و والا تباری قرار می‌دهد تا از او باردار شود و به این ترتیب فرزند نجیب‌زاده‌ای بیاورد این فرزند بعدها ملحق به همین شوهر، نه پدر واقعی‌اش می‌شد، اسلام این نکاح را تحریم می‌کند.

حیات، لازمه حق بنیادی‌تر حق بر آزادی بشر است که خود بشر با علم بر اجتماعی‌بودن خود، براساس این حق، به دولت اجازه می‌دهد که به‌وجود آمده و اهداف مورد نظر او را تأمین کند، در نتیجه «بر مبنای حق بر آزادی خود، مقداری آزادی عمل به دولت در امر مدیریت امور اجتماعی بشر، اعطا می‌کند، لذا این دولت است که وظیفه دارد تا حق بر حیات بشر را تضمین نماید» (حسینی و جلالی، ۱۴۰۰: ۹۵). آنگاه آدمی‌زاد برای حفظ حق حیات و بقای خود به تشکیل حکومت تن درمی‌دهد. حکومت حراست و پاسبان جان و مال و خانواده آدمیانی را که در قلمرو معینی باهم زندگی می‌کنند، برعهده می‌گیرد و برای آنکه بتواند وظیفه خود را انجام دهد، سلطه و اختیاری پیدا می‌کند که از آن به‌حق حاکمیت تعبیر می‌شود. به عبارتی حق بر منزلت که روند جهانی‌شدن را در پیش گرفته است، یکی از بارزترین اصول اخلاق زیستی برشمرده می‌شود که حفظ و تضمین آن به‌مثابه هدف و تکلیف حقوق کیفری محسوب می‌شود، یعنی از این باب که منزلت انسانی به‌منزله یکی از اصول اخلاق زیستی است، مورد حمایت حقوق کیفری قرار می‌گیرد.

## ۲-۱- نقض کرامت انسانی

احترام به اشخاص، رکن بنیادین حقوق کیفری اخلاق زیستی در حکومتی با دامنه مداخله حداقلی است و آزادی عمل فردی به‌مثابه برآیند بارز و جلوه نخستین احترام به اشخاص ظاهر می‌گردد. از این‌روست که حقوق کیفری اخلاق زیستی باید بر بنیاد احترام به شهروندان به ایفای رسالت خویش اهتمام ورزد. اولین دلیلی که معمولاً مخالفان شبیه‌سازی در منع این فناوری ذکر می‌کنند، نقض کرامت انسانی است. به اعتقاد مخالفان، انسان شبیه‌سازی‌شده از همان کرامت و منزلتی که انسان‌های دیگر برخوردارند، بهره‌مند نخواهد بود، بلکه با او مانند کالای تولیدشده و محصول کارخانه‌ای رفتار خواهد شد و احتمال شکل‌گیری برده‌داری نوین وجود خواهد داشت که هوی و هوس پدیدآورندگان بر موجودات شبیه‌سازی‌شده مسلط خواهد بود (رنجبریان و سیف، ۱۳۸۸: ۱۵۴-۱۲۹).

«تغییرات ژنتیکی به‌طور گسترده‌ای با اصول حقوق بشری در تعامل و ارتباط تنگاتنگ است. در همین راستا تأیید چندباره

فرزندان بی‌پدر و مادر و بی‌خانمان از دیگر پیامدهای شبیه‌سازی است؛ چه درست است که فردی در اثر شبیه‌سازی متولد می‌شود، ولی هیچ نسبتی با افراد خانواده‌ای که در آن متولد شده است، ندارد، زیرا با در نظر گرفتن رابطه‌دهندگان سلول و دهندگان تخمک چهار حالت فرض می‌شود: ۱- دهنده سلول، شوهر دهنده تخمک است؛ ۲- دهنده سلول، مرد بیگانه است؛ ۳- دهنده سلول، خود دهنده تخمک است؛ ۴- دهنده سلول، زن بیگانه است.

در هریک از این فرض‌ها نیز ممکن است مادر جانشین، خود دهنده تخمک باشد یا زن دیگری که مجموعاً هشت صورت و حالت خواهد داشت و در تمام این صورت‌ها، فرد شبیه‌سازی‌شده هیچ نسبتی با دهنده تخمک یا مادر جانشین ندارد و تنها از نظر ژنتیکی، جفت دوقلوی دهنده سلول است، زیرا در فرض نخست، کودک شبیه‌سازی‌شده، جفت دوقلوی شوهر زن دهنده است. در فرض سوم، کودک شبیه‌سازی‌شده، جفت دوقلوی مرد بیگانه است. بنابراین در همه این فرض‌ها، فرد شبیه‌سازی‌شده خواهر یا برادر دهنده سلول است و بر حسب مورد، آثار حقوقی ویژه‌ای بر این رابطه حاکم است. برخی از صاحب‌نظران این‌گونه شبیه‌سازی را درحقیقت پروراندن نامشروع جنین در رحم زن و حرام می‌دانند و بر این عقیده‌اند که شبیه‌سازی تأثیرات منفی و بس سنگینی بر نظام خانواده می‌گذارد و نه تنها سبب می‌شود نظام خانواده فرو پاشد، بلکه باعث می‌شود جامعه هم نابسامان شده، زمام امور از دست برود و اختلال نظام پدید آید (اسماعیل‌آبادی و همکاران، ۱۳۸۷: ۴۸-۳۷).

## ۲- دلایل مخالفت با شبیه‌سازی انسان از منظر حقوق کیفری

یکی از ابعاد ارتباط حقوق و شبیه‌سازی انسانی به‌عنوان یکی از مصادیق اخلاق زیستی، مداخله حقوق کیفری در اخلاق زیستی است. باور به این رویکرد و پذیرش آن از این جهت اهمیت دارد که بر بنیاد آن می‌توان، در پاره‌ای از موارد استثنایی، برای رفع برخی مشکلات بشری در عرصه پزشکی گام‌های مؤثری برداشت، به‌ویژه در وادی موضع‌های اخلاق زیستی و تأمل در باب جرم‌زدایی از پاره‌ای جرایم اخلاق زیستی نظیر قتل از روی ترحم و سقط جنین، در نتیجه حق بر

## ۲-۲- حمایت از امنیت استقلال و آزادی فرد

حمایت از آزادی‌های بنیادین افراد، هسته‌ای است که سایر اشکال امنیت باید از آن منشعب گردند. از این منظر که حمایت از حق‌های بشری و ترویج آن، شاخصه امنیت فردی تلقی شده، دارای سه جنبه امنیت جانی، مالی و فکری است. از این‌روست که حقوق کیفری اخلاق زیستی با تأکید بر این جنبه سعی دارد با نظارت و کنترل بر وادی زیست اخلاقی از رهگذر اتخاذ تدابیر مقتضی در امور و فعالیت‌های پزشکی و به‌ویژه در ارتباط با پیشرفت‌های اخیر فناوری‌های زیستی و پزشکی، از ایراد صدمه‌های، جانی، اعم از جسمانی و روانی بر شهروندان حمایت به‌عمل آورده و با اتخاذ تدابیر کیفری و انضباطی، تمامیت جسمانی و روانی شهروندان را تحت پوشش چتر حمایتی خود قرار دهد (قریشی محمدی، ۱۴۰۲: ۵).

تمرکز نخستین حقوق کیفری اخلاق زیستی، تأمین امنیت شخصی، به‌ویژه امنیت جانی یا به تعبیری دقیق‌تر، امنیت جسمانی و روانی شهروندان است. بدان‌سان که اخلاق زیستی بر محور این بازیگر خلاق اجتماعی موضوعیت می‌یابد، تدبیراندیشی حکومت و حقوق کیفری صرفاً در راستای فراهم‌سازی شرایطی مناسب و توأم با آرامش برای هنرنمایی این شخص در فرایند اجتماعی است، چندان که بتواند بدون هیچ محدودیت نامشروع جسمانی یا دغدغه و فشار روانی بتواند در جامعه به فعالیت‌های معمول و مشروع خویش ادامه دهد. شاید مهم‌ترین دلیلی که مخالفان در رد شبیه‌سازی انسانی اقامه می‌کنند تمسک به اصل استقلال فردی است. براساس این اصل، هر موجود انسانی، از استقلال و احترام فردی برخوردار بوده و بر تمام شئون زندگی خود حاکم است و دیگر انسان‌ها حق ندارند این استقلال و آزادی را از او سلب کنند و به‌زور و بدون رضایت، او را بر انجام کاری مجبور سازند. مطابق این اصل، در تحقیق بر روی سوژه‌های انسانی، حقوق اشخاصی که قادر به تصمیم‌گیری هستند، باید رعایت شود و اطلاعات لازم در مورد نوع بیماری، درمان، تحقیقات و آزمایشات به او داده شود. همچنین حقوق افرادی مانند دیوانگان و کودکان که قادر به تصمیم‌گیری نیستند، باید رعایت گردد (اسماعیل‌آبادی و همکاران، ۱۳۸۷: ۴۸-۳۷).

کرامت انسانی و حقوق گوناگون بشر در اسناد بین‌المللی حقوق بشری، گویای این است که جامعه بین‌المللی از تأثیر دست‌کاری ژنتیکی بر حقوق و آزادی‌های بنیادین بشر آگاه است و قصد حمایت از این حقوق را دارد. امروزه فناوری زیستی هم در سطح ملی و هم در سطح بین‌المللی توسعه یافته است در پرتو سرعت پیشرفت فناوری زیستی احترام به اصول اخلاق زیستی و حقوق بشر در این زمینه هم به یک تبدیل شده است. اعلامیه حقوق بشر و برنامه عمل وین ۱۹۹۳ در بند ۱۱ تصریح می‌کند پیشرفت خاص به‌ویژه در طب زیستی و علوم حیاتی و فناوری اطلاعات ممکن است بالقوه عواقب نامطلوب برای تمامیت کرامت و حقوق انسانی افراد داشته باشد و از این‌رو درخواست می‌کند برای تضمین احترام کامل به حقوق بشر و منزلت انسانی در این حوزه‌های مورد توجه جهانی همکاری بین‌المللی صورت گیرد» (نیکوئی‌نژاد، ۱۳۹۰: ۳۶).

براساس بند ۱۱ اعلامیه حقوق بشر و برنامه عمل وین (۱۹۹۳)، پیشرفت «خاص به‌ویژه در علوم حیاتی و در فناوری اطلاعات، ممکن است به‌طور بالقوه عواقبی نامطلوب بر تمامیت کرامت و حقوق انسانی افراد داشته باشد» و درخواست می‌کند، برای «تضمین احترام کامل به حقوق بشر و منزلت انسانی در این حوزه‌های مورد توجه جهانی، همکاری‌های بین‌المللی صورت پذیرد.» «چنین توصیه‌ای در کمیسیون حقوق بشر طی قطعنامه ۱۹۹۵/۸۲ در زمینه حقوق بشر و اخلاق زیستی نیز دیده می‌شود که بر نیاز به تهیه منشور اخلاقی مربوط به علوم حیاتی در سطوح ملی و بین‌المللی و همچنین نیاز به همکاری بین‌المللی به‌منظور تضمین انتفاع بشریت از علوم حیاتی تأکید دارد» (Lynn, 2001: 18; Brownli, 1992: 13). «کنفرانس عمومی یونسکو در حوزه‌های مرتبط با اخلاق زیستی و تغییرات ژنتیکی اقدامات قابل توجهی مبذول کرده است. اعلامیه جهانی ژنوم انسانی و حقوق بشر و اعلامیه بین‌المللی داده‌های ژنتیک انسانی، دو اعلامیه صادره توسط یونسکو هستند که از اتقان، انسجام، شفافیت و جامعیت برخوردارند که در مبحث پیش رو به آن پرداخته می‌شود» (Gorban, 2009: 133-137).

ارزش آزادی، به‌مثابه بنیادی‌ترین ارزش انسانی در نظرگاه اخلاق و ضرورت حمایت از آن منجر به ظهور «حق بر آزادی» می‌گردد. بشر در بادی امر با علم بر ارزش این حق، به‌دنبال حفظ و حمایت از آن، دست به‌کار می‌شود و با هم‌اندیشی اعضای خود، حکومت را به‌منزله مدیری برای تأمین و تضمین ماندگاری حق مزبور ایجاد می‌کند. از این‌رو با این اقدام خویش‌قیدی بر آزادی مطلق خویش وارد می‌سازد و با تحدید دامنه آن، ابزاری برای ماندگاری مابقی آن به‌وجود می‌آورد. درواقع با اعطای بخشی از آزادی خود به دولت، در راستای ماندگاری آزادی خود گام برمی‌دارد.

با تعدی به امنیت روانی و جسمانی و استقلال و آزادی شهروندان، حقوق کیفری به‌مثابه مدیر جامعه تکلیف دارد که امنیت، استقلال و آزادی افراد را تأمین نموده و در این راستا به هر راهکار و تدبیری که مناسب به‌نظر می‌رسد، توسل جوید. با این‌که جرم‌انگاری پاره‌ای از این نتایج ناشی از پیشرفت‌های پزشکی و علوم زیستی به‌مثابه اقدام نخستین، نمی‌تواند چندان قابل دفاع باشد، اما به‌منزله تدبیری مؤثر در مرحله آخر و درحقیقت به‌عنوان «آخرین حربه» می‌تواند پاسخی مناسب برای مواردی از این دست محسوب شود (ساعد، ۱۳۹۶: ۳۴). درحقیقت، مبنای مداخله حقوق در وادی اخلاق زیستی، تضمین حقوق شهروندان است که از رهگذر حمایت از آزادی فردی بشر نمودار می‌گردد، حمایت از مقوله‌ای که حق بر حیات انسانی یکی از برآیندهای این حق بوده و دیگری، تضمین ماندگاری منزلت انسانی که وصف ذاتی بشر قلمداد می‌گردد. در این نظرگاه، نظم و امنیت به‌مثابه دستاویزهای اجتماعی نظام عدالت کیفری برای حمایت از این گستره نوین بشری برشمرده می‌شود. مقصود از نظم عمومی، وضعیتی توأم با آرامش و آسایش نسبی میان شهروندان در تعاملات و مناسبات با هم از یک‌سو و میان شهروندان و هیأت حاکمه از سوی دیگر بوده، چندان که رضایتی نسبی شهروندان را به‌همراه داشته باشد و امنیت انسانی، اعم از امنیت جسمانی و روانی انسانی، نیز وضعیتی است که شهروندان در پرتو آن احساس امنیت جسمانی و روانی داشته و بدون دغدغه، زندگی خویش را دنبال کنند.

برخی از مخالفان معتقدند: «انسان شبیه‌سازی‌شده، سرنوشت خود را با فرضیات بسیاری درخصوص ویژگی‌های منبع شبیه‌سازی می‌سازد و به‌موجب تحمیل آن‌ها بر تمام ابعاد زندگی‌اش، استقلال خود را از دست خواهد داد» (رنجبریان و سیف، ۱۳۸۸: ۱۵۴-۱۲۹). عامل دیگر سلب آزادی ممکن است انتظارات والدین مبتنی بر انتخاب ژنوم باشد، به این معنا که چون آن‌ها از منبع کلون خبر دارند، انتظار داشته باشند که کودک آن‌ها زندگی منبع ژن خود تقلید کند، بدین ترتیب آن‌ها با راهنمایی کودک برای برآورده‌ساختن انتظارات، او را از توانایی برای انتخاب مسیر زندگی خویش محروم کنند.

اصل احترام به اشخاص که از سوی کانت مورد مذاقه قرار گرفته و گسترش یافت، اصل استقلال عمل یا آزادی عمل فردی، حق بر حیات و منزلت انسانی را در خود جای می‌دهد. اصل احترام به اشخاص دست‌کم دارای دو باور راسخ است: نخست، اشخاص باید به‌منزله عاملان مستقل و با اختیار عمل تلقی شوند؛ دوم، این اشخاص با استقلال عمل محدودشده مستحق حمایت‌اند. از این‌رو اصل احترام به اشخاص به دو الزام (لازمه) اخلاقی مستقل و جداگانه تقسیم می‌شود: لزوم بهره‌مندی آن‌ها از استقلال عمل آگاهانه و عالمانه و ضرورت حمایت از آن‌ها به‌عنوان عاملان یا سوژه‌هایی که برخوردار از آزادی یا استقلال عمل محدود شده‌اند. این دو گزاره را به ترتیب، می‌توان استقلال عمل و حمایت‌گرایی نامید.

حق بر آزادی بشر، در وادی اخلاق زیستی، اصل احترام به اشخاص را به‌همراه می‌آورد که به‌موجب آن، هر اقدامی در مورد بشر که از سوی بشر با ابتدای بر آزادی صورت می‌گیرد، باید مبتنی بر اصل احترام به اشخاص باشد. به این معنی که حق بر آزادی بشر در چهارچوب اصل احترام به اشخاص محدود می‌شود. اصل مزبور بر این تأکید دارد که لازمه اعمال حق بر آزادی، رعایت حق بر حیات و منزلت انسانی است. درواقع، اصل احترام به اشخاص، گرچه بر استقلال عمل فردی صحنه می‌گذارد، اما دامنه آن را محدود به رعایت حق بر حیات شهروندان، یعنی رعایت تمامیت جسمانی و روانی اشخاص و نیز حق بر منزلت انسانی آن‌ها می‌کند.

## ۳-۲- تعارض شبیه‌سازی با اصل اختیار

دلیل دیگر مخالفان در رد شبیه‌سازی انسانی، تعارض آن با اصل اختیار و آزادی انسان است. هابرماس در این باره می‌گوید: «فردی که اقدام به تکثیر مصنوعی شخص دیگر می‌کند، از قبل برنامه‌ریزی کرده و تمام صفات و خصوصیات فرد دلخواه خود را طراحی می‌کند.» به اعتقاد این مخالفان، شرط ضروری عمل آزاد و پذیرش نتیجه عمل فرد توسط خود او این است که دیگری او را مسلوب‌الاختیار نکرده باشد (نیکوئی‌نژاد، ۱۳۹۰: ۳۸-۳۱).

این اشکال تنها وقتی وارد است که دیدگاه جبر ژنتیکی که معتقد است تمام اعمال انسان محصول ساختمان ژنتیکی اوست، پذیرفته شده باشد، چون تنها در آن صورت است که می‌توان فرد شبیه‌سازی‌شده را مسلوب‌الاختیار خواند. در واقع به اعتقاد این مخالفان، چون در شبیه‌سازی، ساختمان ژنتیکی انسان تولیدشده توسط شخص دیگری دست‌کاری شده، فرد تولیدشده، مسلوب‌الاختیار گردیده و به‌خاطر طراحی دیگران، مجبور به انجام کارهایی است که آن‌ها در ژنتیک او پی‌ریزی کرده‌اند.

اما فرضیه جبر ژنتیکی مخالفان بسیاری دارد، چراکه اگر این فرضیه درست باشد، همه انسان‌ها حتی انسان‌های تولیدشده از طریق طبیعی، مجبور و مسلوب‌الاختیار خواهند بود که آنچه را ساختار ژنتیکی آن‌ها اقتضا می‌کند، انجام دهند. هر انسان متولدشده، دارای ساختار ژنتیک خاصی است، ولی به جز جبرگرایان ژنی، هیچ‌کس نمی‌گوید که او مجبور به انجام اعمالی است که ژن‌های او اقتضا می‌کند (محمدی، ۱۳۸۷: ۲۸۹-۲۷۳). واقعیت این است که هر انسانی با هر ساختار ژنتیکی، اختیار و آزادی را بالوجدان در درون خود می‌یابد و خود را مجبور به کاری نمی‌بیند، البته نمی‌توان منکر علیت ناقصه ساختمان ژنتیکی، در حد اقتضا و تأثیرگذاری بود، ولی این تأثیرگذاری به حد علیت تامه و ضرورت نیست. بنابراین شخص شبیه‌سازی‌شده نیز که ساختمان ژنتیکی مشابه با انسان دیگری را دارد، همانند دهنده سلول و همانند هر انسان دیگر که ساختمان ژنتیکی خاص خود دارد، مجبور به اعمال

خاصی نخواهد بود، بلکه تنها زمینه برخی کارها در او وجود خواهد داشت.

## ۴-۲- نقض اصل کسب رضایت آگاهانه

یکی دیگر از اصول اخلاقی که مخالفان شبیه‌سازی به آن تمسک می‌جویند اصل «کسب رضایت آگاهانه» است. براساس این اصل، هرگونه تصرفی در بدن انسان دیگر مشروط به اطلاع‌رسانی به او و کسب رضایت از وی است. پزشک باید تمام اطلاعات درباره نوع درمان، نوع آزمایش و تحقیق، عمل جراحی و ... را در اختیار بیمار بگذارد (رنجیریان و سیف، ۱۳۸۸: ۱۵۴-۱۲۹). «ضرورت کسب رضایت مبتنی بر اصل استقلال فردی است. مخالفان شبیه‌سازی معتقدند چون در شبیه‌سازی امکان کسب رضایت آگاهانه از فرد شبیه‌سازی‌شده قبل از انجام این عمل وجود ندارد، بنابراین شبیه‌سازی ممنوع است» (نیکوئی‌نژاد، ۱۳۹۰: ۳۸).

برمبنای اصل استقلال عمل، بیمار حق بر رد یا انتخاب درمان خویش دارد. اصل مزبور، حقوق اشخاص را در باب تعیین سرنوشت خویش به رسمیت می‌شناسد و ریشه در احترام جامعه به قابلیت اشخاص در مورد تصمیم‌گیری آگاهانه در باب مسائل شخصی دارد. به‌واقع، این اصل از نظرگاه حق‌های بنیادین بشری، اعمالگر حق بر تعیین سرنوشت اشخاص است. امروزه، این اصل به‌مثابه ارزشی اجتماعی از اهمیت چشم‌گیری در توصیف کیفیت پزشکی و نتایج حاصله از عملکرد پزشکی برخوردار شده و از چنان جایگاهی اجتماعی برخوردار گردیده است که به‌منزله واکنشی اجتماعی در قبال سنت «پدرسالاری» در مراقبت بهداشتی محسوب می‌گردد.

به‌موجب این اصل، انسان و بیمار از این اختیار برخوردار است که آنچه را خود برای خویش مناسب و مفید می‌داند، با اراده خود برگزیند و بدان جنبه عملی بخشد. به تعبیری دیگر، هرگونه مفهومی از تصمیم اخلاقی مبین این فرض خواهد بود که سوژه‌های ناطق و خردورز، درگیر تصمیم‌های آگاهانه و ارادی‌اند. در بهداشت درمان یا مراقبت بهداشت، احترام به استقلال اراده و عمل بیمار، در گفتمانی مشترک، به این معنا است که بیمار دارای اهلیت و قابلیت انجام عالمانه و عامدانه

همسر، فرزند یا بستگان تازه درگذشته است، بنابراین شبیه‌سازی ممنوع است (نیکوئی‌نژاد، ۱۳۹۰: ۳۸-۳۱).

به‌نظر می‌رسد استفاده از اصل غایات کانت برای منع شبیه‌سازی، تمام نیست و این اصل شبیه‌سازی را به‌طور مطلق منع نمی‌کند. درواقع عدم توجه به‌معنای غایت‌بودن انسان از نظر کانت باعث استفاده نادرست از این اصل شده است، چراکه در شبیه‌سازی نیز ممکن است انسانیت هدف و غایت قرار بگیرد. اصل غایات کانت، تنها آن نوع از شبیه‌سازی که در آن، انسانیت افراد وسیله قرار می‌گیرد و مقصود و هدف شبیه‌سازان، تولید انسان‌هایی با توانایی‌های خاص برای به خدمت‌گرفتن در کارهای خاص است را منع می‌کند، مانند تولید انسان‌های با قدرت بدنی بالا برای استفاده در جنگ‌ها یا تولید نوابغ علمی برای استفاده در آزمایشگاه و پژوهشگاه‌ها با اهداف غیرانسانی و سودجویانه، ولی شبیه‌سازی درمانی و آن نوع از شبیه‌سازی تولیدی که در آن، مقصود، تولید انسان کامل بدون عیوب ژنتیکی و بدون بیماری‌های خاص است را رد نمی‌کند، چون انسانیت افراد تولیدشده در این نوع شبیه‌سازی، وسیله قرار نگرفته، بلکه هدف و غایت در نظر گرفته شده است (اترک، ۱۳۹۰: ۴۹-۳۹).

علاوه‌بر این‌که می‌توان ادعا کرد در تولید فرزند از طریق آمیزش جنسی نیز ممکن است انسانیت فرزند وسیله قرار گیرد، چراکه گاه، والدین برای تحقق آمال و آرزوهای خود، مانند عصای دوران پیری، تداوم نسل و فرار از تنهایی دست به تولیدمثل می‌زنند، پس می‌توان مدعی شد که انسانیت فرزند تولیدشده در این موارد، وسیله برای تحقق آمال دیگران شده است، درنتیجه طبق اصل غایت‌مندی، تولیدمثل از طریق آمیزش جنسی نیز باید ممنوع باشد.

## ۲-۶- خطر اقدام به اصلاح نژادی از طریق شبیه‌سازی

یکی دیگر از نگرانی‌های مخالفان شبیه‌سازی به‌کارگیری این فناوری برای اصلاح نژادی است. «اصلاح نژاد از طریق شبیه‌سازی به دو طریق مثبت و منفی ممکن است رخ دهد. اصلاح نژادی منفی در راستای بهبود وضعیت سلامت جسمانی، اقدام به حذف عناصر ژنتیکی منفی و مخرب می‌کند، اما غرض از اصلاح نژادی مثبت، ایجاد تغییرات

و بدون تأثیرپذیری از عواملی است که عمل ارادی و آزادانه او را مخدوش می‌سازد. این اصل مبنا و پایه «رضایت آگاهانه» در قراردادهای میان پزشک و بیمار درخصوص مراقبت بهداشت است. رضایت آگاهانه و رضایت به مردن به‌مثابه آورده‌های اصل استقلال عمل در زمره یکی از استلزامات بنیادین در اعلامیه نورمبرگ و هلسینکی ارائه گردید.

حیات بشر، از لوازم وجودی حق بر آزادی اوست، درنتیجه از حق بر آزادی می‌توان آزادی حیات هر شخص انسانی را استنباط کرد و این گستره آزادی اخیر بر جسمانی و روانی شخص مزبور گسترانده می‌شود. در این فعل و انفعال، تعامل یا بر هم دقیق میان ارزش آزادی از یک‌سوی و ارزش حیات از سوی دیگر نمودار می‌گردد، به‌نحوی هر یک بر دیگری به سهم خویش تأثیر می‌گذارد. با این توضیح که حسب مورد، یکی بر دیگری مقدم می‌گردد. بنابراین این برهم‌کنش گویای نسبت دامنه عملکرد هر یک از این دو ارزش است. درواقع ارزش حیات به‌مثابه یک حق، امری مطلق نبوده و در مواردی بر پایه تفوق آزادی بر حیات، دارنده حق از این اختیار برخوردار است که با آزادی اراده خویش، از حیات خود دست بکشد.

## ۲-۵- نقض اصل غایت‌مندی انسان

استدلال مهم دیگری که مخالفان شبیه‌سازی به آن تمسک می‌جویند اصل غایت‌مندی انسان است. همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، «اصل غایات» کانت به ما توصیه می‌کند به‌خاطر ارزش ذاتی انسان، در رفتارهایمان با خود و دیگر انسان‌ها همیشه باید چنان رفتار کنیم که انسانیت را هدف قرار دهیم نه چون وسیله‌ای صرف برای اهداف و غایات دیگر (Kant, 1964: 67). از آنجا که در شبیه‌سازی، انسانیت انسان تولیدشده وسیله قرار می‌گیرد و هدف از شبیه‌سازی تولید گروه زیادی از انسان‌های همسان ژنتیکی برای استفاده در جنگ یا در زمان صلح برای انجام کارهای سخت و طاقت‌فرسا، تکثیر افراد نابغه و سرشناس علمی، سیاسی و نظامی و ...، تولید فرزندان ژنو تیپ دلخواه، جایگزین کردن

دلخواه ژنی برای ایجاد موجودی با ویژگی‌های خاص است» (رنجبریان و سیف، ۱۳۸۸: ۱۵۴-۱۲۹).

مسئله اصلاح نژادی خود شبیه‌سازی، موضوع مناقشه‌آمیزی است که موافقان و مخالفانی دارد. این استدلال مبتنی بر این پیش‌فرض است که اصلاح نژادی کاری نادرست و ممنوع است، اما کسی که موافق اصلاح نژادی است، به‌کارگیری شبیه‌سازی برای این مقصود را نیز جایز خواهد دانست. به‌نظر می‌رسد از نظر عقلی، اصلاح نژادی منفی امری جایز و پسندیده است. وظیفه علم پزشکی تنها این نیست که بیماری‌ها و نارسایی‌های محقق‌شده را درمان کند، بلکه وظیفه مهم‌ترش، جلوگیری از این بیماری‌ها و اختلالات است. بنابراین در شبیه‌سازی برای اصلاح نژادی منفی چون هدف، تولید انسان‌های سالم و فاقد اختلالات ژنی است، این نوع شبیه‌سازی، خدمت به انسان‌ها و بشریت و غایت قراردادن آن‌ها است، اما اصلاح نژادی مثبت نیاز به بحث مستقل و مستوفایی دارد.

در ماده ۱ و بند ۲ ماده ۵ اعلامیه جهانی اخلاق زیستی و حقوق بشر، بر اصالت برابری همه انسان‌ها در کرامت و حقوق به‌طور عادلانه تصریح و محترم‌شماری کرامت انسانی، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی او به‌طور کامل لازم دانسته شده است و نهایتاً در ماده ۱۱ با عنوان عدم تبعیض و عدم برچسب‌زنی بیان شده است که: «هیچ فرد یا گروهی نباید به‌دلیلی مغایر با کرامت انسانی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی مورد تبعیض یا برچسب‌زنی قرار گیرد.» بر قبح مورد تبعیض واقع‌شدن در ماده ۶ اعلامیه ژنوم انسانی و حقوق بشر نیز تأکید گردیده است، هیچ فردی نباید براساس ویژگی‌های ژنتیکی با هدف نقض حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در معرض تبعیض قرار گیرد.

«بنابراین اعمال تبعیض براساس اطلاعات ژنتیکی، خود نقض حقوق بشری است، چراکه هیچ اصول حقوق بشری اجازه چنین اعمال تبعیضی را نمی‌دهد. عملکرد کارفرمایان و شرکت‌های بیمه درجهت عدم استخدام و عدم پوشش بیمه افراد باتوجه به ویژگی‌های ژنتیکی آن‌ها مورد قبول هیچ یک از اسناد حقوق بشری نیست. متأسفانه قوانین حقوق بشری

مانند قواعد بین‌المللی دیگر، فاقد ضمانت اجرایی لازم است که بتواند فرد را به‌مانند حقوق داخلی ملزم به تبعیت از خود کند. بنابراین ضروری است که حقوق عمومی در راستای وظایف خود و قانون‌گذاران داخلی براساس اصول حقوق بشری اقدام به تصویب قوانینی درجهت حمایت از افراد در برابر اعمال هرگونه تبعیض براساس اطلاعات ژنتیکی نمایند، تا بتوان این نقص (فقدان ضمانت اجرای نقض قوانین حقوق بشری) را جبران نمود» (صادقی، ۱۳۸۵: ۱۳۸-۱۱۷).

## ۲-۷- عدم سودرسانی عمومی

«اصل سودرسانی، یکی از اصول بنیادین اخلاق زیست‌پزشکی است که پرداختن به آن در عرصه‌های زیست‌پزشکی از اهمیت خاصی برخوردار است، براساس این اصل محدوده صحیح کاربرد تکنولوژی‌های زیست‌پزشکی باید به‌گونه‌ای باشد که با حفظ کرامت و ارزش‌های انسانی و برابر دانستن همه ابنای بشر تنها درجهت مصالح و بهروزی و سلامتی همه انسان‌ها قرار گرفته و موجبات اضرار و ضرر به فرد و جامعه انسانی و نسل بشریت را فراهم نیاورد. اصل سودرسانی در محدوده اخلاق زیستی بر این نکته دلالت دارد که تحقیقات و پژوهش‌های پزشکی درمانی و غیردرمانی و به‌طور کلی هرگونه به‌کارگیری فناوری‌های نوین زیست‌پزشکی جهت درمان یا پژوهش بر روی سوژه‌های انسانی بایستی براساس خیرخواهی بوده و بیشترین سود ممکن را برای فرد آزمودنی و جامعه به‌دنبال داشته باشد، در آموزه‌های جهان‌شمول و نظام تشریح اسلام تعامل پزشک با بیمار یا محقق با سوژه‌های آزمودنی یا تعامل انسان با حیوانات و طبیعت براساس سودمندی و حفظ صحت و سلامت و تعادل آن‌ها مورد تأکید است» (عباسی و صفایی، ۱۳۹۲: ۵۷). این اصل نیز مانند سایر اصول اخلاق زیستی به‌دنبال پیشرفت‌های سریع بشر در زمینه زیست‌پزشکی و لزوم تدوین اصول راهنما درجهت کنترل محدوده کاربرد آن‌ها به‌گونه‌ای که تنها درجهت سلامتی و رفاه و بهروزی انسان‌های مورد پژوهش و سایر انسان‌ها باشد، مطرح و مورد قبول مجامع علمی و اخلاقی و دینی قرار گرفته است.

نیز نتایج نشان داد که حقوق کیفری اخلاق زیستی با تأکید بر این جنبه سعی دارد با نظارت و کنترل بر وادی زیست اخلاقی از رهگذر اتخاذ تدابیر مقتضی در امور و فعالیت‌های پزشکی و به‌ویژه در ارتباط با پیشرفت‌های اخیر فناوری‌های زیستی و پزشکی، از ایراد صدمه‌های، جانی، اعم از جسمانی و روانی بر شهروندان حمایت به‌عمل آورده و با اتخاذ تدابیر کیفری و انضباطی، تمامیت جسمانی و روانی شهروندان را تحت پوشش چتر حمایتی خود قرار دهد.

نوپدیدبودن شبیه‌سازی به انضمام چالش‌هایی که فناوری‌های نوین زیستی فراروی جامعه بشری به تصویر کشیده است، ایجاب می‌کند تا استفاده و به‌کارگیری این تکنیک‌ها و دست‌یازیدن به پژوهش‌هایی فراتر از قبل در حوزه زیست‌پزشکی، نیازمند تعیین ضوابط و چهارچوب‌هایی باشد که ارزش‌ها مصالح و منافع بشری را تضمین کند. این ضوابط و چهارچوب‌ها تنها در قالب یک نظام قانونی و ضمانت‌اجراهی مبتنی بر آن تجلی می‌یابد. در این میان مداخله حقوق کیفری در قالب جرم‌انگاری و کاربست ضمانت‌اجراهی کیفری به‌دلیل تأثیر و کارآمدی بیشتر آن‌ها در قیاس با ضمانت‌اجراهی مدنی و اداری اهمیت شایانی دارد. برخی از نتایج ناشی از پیشرفت‌های اخیر در شبیه‌سازی که بر مشکلات اخلاقی پس از این پیشرفت‌ها تأکید دارد، به‌درستی به مرزهایی اشاره دارد که امنیت روانی و جسمانی شهروندان را تحت تأثیر قرار داده است. برای نمونه، تصور خلق موجودی انسانی همانند یک شخص از رهگذر «فناوری شبیه‌سازی» که ظاهری کاملاً شبیه وی داشته و به‌مانند وی می‌اندیشد، جدای از مشکلات اخلاقی مطروحه در باب نسل‌ها و مشکلات اجتماعی متعاقب آن، همهمه و دغدغه‌ای در میان شهروندان ایجاد نموده است که به‌نوعی می‌توان آن را برابر و همسان با سلب امنیت روانی آن‌ها پنداشت. در مواردی این چنین است که با تعدی به امنیت روانی و جسمانی شهروندان، حقوق کیفری به‌مثابه مدیر جامعه تکلیف دارد که امنیت مزبور را تأمین نموده و در این راستا به هر راهکار و تدبیری که مناسب به‌نظر می‌رسد، توسل جوید. با این‌که جرم‌انگاری پاره‌ای از این نتایج ناشی از پیشرفت‌های پزشکی و علوم زیستی به‌مثابه اقدام نخستین، نمی‌تواند چندان قابل دفاع

برای زیان‌باری می‌توان دو جلوه سلبی و ایجابی متصور شد که اخلاق زیستی و حقوق کیفری را به هم مرتبط می‌سازد. از دید جلوه سلبی که در چهارچوب «عدم زیان‌باری» بروز و ظهور می‌کند، به‌مثابه یک ارزش و اصل اخلاقی در گستره اخلاق زیستی نمایان شده و مورد بحث قرار می‌گیرد. از دید ایجابی که همان «زیان‌باری» یا «صدمه» تعبیر می‌شود، عاملی برای مداخله حکومت و حقوق کیفری می‌شود تا از رهگذر تأکید اخلاق زیستی بر عدم آسیب یا زیان‌باری به‌منزله یکی از اصول بنیادین‌اش، بدان تمرکز مضاعف نموده و با تدبیراندیشی مناسب از آن حمایت به‌عمل آورد. بنابراین عدم زیان‌باری، بدان‌سان که اصل بنیادینی در وادی اخلاق زیستی است و اخلاق زیستی به‌واسطه اهمیت مضاعف در حیات بشری، شایسته توجه و حمایت، حقوق کیفری ناگزیر از اتخاذ تدابیر حمایتی برای این اصل است، در نتیجه عدم زیان‌باری که یک «ارزش اخلاقی» بوده، به‌واسطه اهمیت بنیادینش، رنگ «الزام حقوقی» به خود گرفته و به شکل «حق بر عدم آسیب» برای هر شهروند پدیدار می‌گردد. این حق به حقوق کیفری این اختیار را می‌دهد که با عذر حمایت از آن، اقدام به جرم‌انگاری کند. هر فردی از آزادی عمل برخوردار است که آزادانه دست به فعالیت بزند، اما این آزادی عمل تا محدوده‌ای است که موجب ایراد آسیب نگردد. این که دامنه آسیب تا چه اندازه است، رهیافت واحدی وجود ندارد، به‌صورتی که دو رویکرد مخالف در این خصوص وجود دارد. یکی بر عدم ایراد آسیب به دیگران تکیه دارد و دیگری، بر عدم ایراد آسیب به دیگران و خود. بر مبنای رویکرد نخستین، «این اصل در زمره اصول بنیادینی است که در قلمرو حقوق کیفری تمرکز اولیه بر آن بوده و باتوجه به دامنه عام این اصل، هیچ شخصی، به‌ویژه به اشخاص خاص اعم از پزشکان و پرستاران به یک‌سو و خویشاوندان و دوستان به دیگرسو، نباید به دیگری، به‌ویژه شخص بیمار یا آزمودنی می‌شود، آسیب یا صدمه جسمانی وارد آورد.»

### نتیجه‌گیری

دلایل فقهی مخالفت با شبیه‌سازی انسان بر استدلال‌هایی چون دخالت در نظم خانواده، به‌هم‌خوردن بنیان خانواده و اختلال در مقولاتی چون نسل مبتنی است. از منظر حقوقی

## منابع و مأخذ

## الف. منابع فارسی و عربی

- اترک، حسین (۱۳۹۰). «شبییه‌سازی انسان و اصل غایات کانت». *مجله اخلاق و تاریخ پزشکی*، ۴(۶): ۳۹-۴۹.

- اسماعیل‌آبادی، علیرضا؛ یزدی مقدم، حمیده و باستانی، امیر (۱۳۸۷). «تأملات اخلاقی- حقوقی در شبیه‌سازی انسان». *مجله ایرانی اخلاق و تاریخ پزشکی*، ۱(۲): ۳۷-۴۸.

- تبریزی، جواد بن علی (۱۴۲۷). *صراط النجاة*. جلد نهم، الطبعة الاولى، قم: دار الصدیقه الشهیده.

- حسنی، محمدحسن و جلالی، علیرضا (۱۴۰۰). «آسیب‌شناسی حمایت‌کیفری از حق آزادی شخصی در حقوق کیفری ماهوی ایران». *مجله مجلس و راهبرد*، ۳(۱۰۷): ۸۷-۱۱۲.

- حسینی‌حائری، کاظم (۱۳۸۲). *الفتاوی‌المنتخبه*. جلد دوم، الطبعة الثالث، قم: دار التفسیر.

- حسینی‌حائری، سید کاظم (۱۳۸۷). «شبییه‌سازی انسان». *فصلنامه تخصصی فقه اهل‌البیت (ع)*، ۶(۵۵): ۳۵-۳۶.

- رنجبریان، امیرحسین و سیف، زهرا (۱۳۸۸). «چالش‌های حقوق بشری شبیه‌سازی انسان». *فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی*، ۳۹(۱): ۱۲۹-۱۵۴.

- ریاض احمد، عوده الله (۲۰۰۳). *الاستنساخ فی میزان الاسلام*. الطبعة الاولى، اردن- عمان: داراسامه.

- ریسونی، احمد (۱۳۷۶). *اهداف دین از دیدگاه شاطبی*. ترجمه سید حسن اسلامی و سید محمدعلی ابهری، چاپ اول، قم: مرکز انتشارات اسلامی.

- ساعد، محمد جعفر (۱۳۹۶). *حقوق کیفری و اخلاق زیستی*. چاپ اول، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.

- شمس‌الدین، محمدمهدی (۱۹۹۹). *الاستنساخ البشر امر غیر مشروع قطعاً و یقیناً (در الاستنساخ بین الاسلام و المسیحیه مقالات و ابجاث و مقابلات لکبار رجال الدین و المفکرین*

باشد، اما به‌منزله تدبیری مؤثر در مرحله آخر و درحقیقت به‌عنوان «آخرین حربه» می‌تواند پاسخی مناسب برای مواردی از این دست محسوب شود. به‌کارگیری محدود و کنترل‌شده این فناوری توسط دولت‌ها فاقد آن نتایج سوء خواهد بود و در عوض فواید متعددی برای بشریت خواهد داشت. بنابراین به‌نظر می‌رسد در حال حاضر، نباید براساس دلایل غیرمتمن، جلوی تحقیقات آزمایشگاهی در مورد شبیه‌سازی انسانی را گرفت. چه‌بسا با آزادگذاشتن تحقیقات علمی در این زمینه، پس از مدتی معایب آن برطرف شده و دانشمندان به یک روش علمی مطمئن و سالم در این زمینه نائل شوند و انسان بتواند از منافع و فواید این فناوری نوین بهره‌جوید، البته روشن است که در آن زمان نیز باید با وضع قوانین لازم و مناسب، جلوی سوءاستفاده از آن را گرفت. همان‌طور که در تولیدمثل از راه آمیزش، باید محدودیت‌هایی قائل شد تا بشریت به‌خاطر ازدیاد جمعیت و کمبود امکانات دچار مشکل نشود، در تولیدمثل از طریق شبیه‌سازی نیز باید محدودیت‌هایی ایجاد گردد تا آثار سوئی برای جامعه ایجاد نکند.

**ملاحظات اخلاقی:** موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

**تعارض منافع:** تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

**سهام نویسندگان:** نگارش مقاله به‌صورت مشترک توسط نویسندگان انجام گرفته است.

**تشکر و قدردانی:** از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

**تأمین اعتبار پژوهش:** این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

- ب. منابع انگلیسی
- Brownli, I (1992). *Basic documents on human rights*. 3<sup>rd</sup> ed., Oxford: Clarendon.
- Frederick, O (1937). "Development of a Eugenic Philosophy." *Journal American Sociological Review*, 2(3): 389-397.
- Gorban Nia, N (2009). "Regarding the Universal Declaration of Bioethics and Human Rights". *Ethics in Science and Technology Quarterly*, 4(1): 133-137.
- Kant, I (1964). *Groundwork of Metaphysic of Morals*. Translated and analyzed by H. J. Paton, 1<sup>st</sup> ed., Misplaced: Harper and Row Publish.
- Lynn, R (2001). *Eugenics a reassessment*. 1<sup>st</sup> ed., New York: Praeger.
- والباحثین من مختلف الادیان والمذاهب). الطبعه الاولی، بیروت، دار الفکر اللبنانی.
- صادقی، محمود (۱۳۸۵). «کرامت انسانی، مبنای منع شبیه‌سازی انسان در اسناد بین‌المللی». *مجله پژوهشنامه حقوق و علوم سیاسی*، ۱(۳-۲): ۱۱۷-۱۳۸.
- عباسی، محمود و صفایی، سهیلا (۱۳۹۲). «بررسی اصل سودرسانی از منظر فقه زیست‌پزشکی». *فصلنامه اخلاق زیستی*، ۳(۷): ۵۳-۸۶.
- علیان نژادی، ابوالقاسم (۱۳۸۰). «دیدگاه فقهی آیت‌الله مکارم شیرازی درباره دو مسأله شبیه‌سازی و راه‌های فرار از ربا». *نشریه پژوهش و حوزه*، ۲(۶): ۲۳-۶۱.
- فضل‌الله، محمدحسین (۱۴۱۹). *فقه الحیات*. الطبعه الاولی، قم: مؤسسه عارف للمطبوعات.
- فیاض، محمداسحاق (۱۴۳۰). *اجوبه المسائل الطبیئه*. الطبعه الخامسة، بی‌جا: مؤلف.
- قریشی محمدی، فاطمه‌السادات (۱۴۰۲). «ضمانت اجرای کیفری اخلاق زیستی؛ ضرورت‌ها و راهکارها». *مجله اخلاق زیستی*، ۱۳ (۳۸): ۱-۱۳.
- محمدی، علی (۱۳۸۷). *شبیه‌سازی انسان (ملاحظات علمی، اخلاقی- حقوقی و فقهی)*. چاپ اول، تهران: نشر معارف، ۱۳۸۷.
- مصباح، عبدالهادی (۲۰۰۲). *الاستنساخ بین العلم والدین*. الطبعه الاولی، قاهره: الدار المصریه اللبنانیه.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۴). *کتاب النکاح*. جلد دوم، الطبعه الثالث، قم: مدرسه امام علی بن ابی‌طالب (ع).
- نیکوئی نژاد، لیلیا (۱۳۹۰). «اختیار در فرایند فناوری همسان‌سازی انسانی». *مجله تاریخ و اخلاق پزشکی*، ۴(۵): ۳۱-۳۸.
- یوسفان، محمدجواد (۱۳۸۶). *شبیه‌سازی از دیدگاه اسلام*. چاپ اول، قم: نشر برگزیده.